## ابعاد عفاف در سیره حضرت زهرا علیها السلام

**نویسنده:** عبدیایی، نرجس (کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم (ع))

**منبع:** پژوهش نامه اسلامی زنان و خانواده» تابستان 1390 - شماره 9

**چکیده**

عفاف، آموزه ضروری اسلام و مصونیت بخش فرد و جامعه از آسیب های مادی و صدمات روحی است. مکتب قرآن به رعایت قوانینی خاص در سه بعد مهم عفاف (پوشش، رفتار و کلام) تاکید دارد. حضرت زهرا(س) در جایگاه انسانی مسلمان، فرزند نبی و حاکم اسلام، در طول حیات خویش بانویی عفیفه در هر سه بعد بود. از نظر پوشش، در اجتماع بر روی لباس ها، مقنعه (روسری) و بر روی مقنعه، چادری بلند داشت. همراهان زن ایشان را برای نقش آفرینی سیاسی تا مسند حکومت مشایعت می کردند. در منزل هنگام روبه رو شدن با مرد نابینا نیز حجاب خود را رعایت می کرد. حتی بر پوشیدگی صحیح جسم بی جانش نیز تاکید داشت و در عالم محشر نیز عفاف و حجاب ایشان متمایز است. ایشان از نظر تربیت کودکان، همسرداری، فرزندداری و حضور در منزل بدون اینکه در معرض دید نامحرم باشد، رفتار عفیفانه ایی را الگوسازی نمود. ایشان در ابراز حاجات دنیوی عفیفه و بی نیاز از مردم بود. فرزند حاکم مدینه، منزلی ساده با کمترین امکانات را اداره می کرد. آن حضرت در محتوا، آهنگ و ترتیب سخن، کلامی عفیفانه داشت، جملات و کلمات لغو و بیهوده از گفتار ایشان به دور بود، آخرین راهکار مبارزاتی وی در برابر مخالفینش سکوتی عفیفانه بود. حضرت فاطمه(س) حیات پرباری در دوران رسول خدا(ص) و بعد از رحلت ایشان داشت که با عفاف ایشان عجین بود.

**کلمات کلیدی**

عفاف، حضرت زهرا(س)، عفاف در پوشش، عفاف در کلام، عفاف در رفتار

### مقدمه

دختر رسول خدا در طول زندگی اندک خود، از نقش آفرینی و حضور در میدان های سیاسی- اجتماعی در مواقع ضرورت دریغ نداشت؛ زیرا اسلام دین کاملی است که در تمام عرصه ها و از جمله در حوزه مسایل اجتماعی و سیاسی برای تعالی بشر برنامه دارد.

در این نوشتار بررسی خواهد شد که عفاف، در زندگی اجتماعی- سیاسی حضرت زهرا(ع) چه ابعادی دارد؟ برای بررسی دقیق این موضوع، عفاف به سه بخش تقسیم می شود؛ عفاف در پوشش، عفاف در رفتار و عفاف در کلام.

### ابعاد عفاف در نظام امامت

معنای عفاف با خویشتن داری و پرهیزکاری عجین است. این واژه در اصطلاح به مفهوم خودداری از غیر حلال است که خود، درجاتی دارد تا جایی که بهره مندی کمتر از حلال نیز در این زمینه معنا می یابد: «اگر عفاف عبارت است از خودداری از هرچه قبیح و نازیباست، باید بر سمع و بصر و زبان و عورت و صوت و بدن و قلب سیطره یابد».

این واژه در آیات متعددی از قرآن کریم استفاده شده است:

«... **یَحسبهُم الجاهِل اَغنیاء من التعفَفْ**...؛... از شدت خویشتنداری فرد بی اطلاع آنها را توانگر می پندارد». (عفت به معنای خویشتن داری در اظهار نیاز)

«... **من کانَ غَنیا فَلیستَعفَفْ وَ من کَان فَقیرا فَلیأکل بِالمَعروف**...؛... و آن کس که توانگر است باید از گرفتن اجرت سرپرستی خودداری ورزد...». (عفت به معنای قناعت)

«**و الیستعفف الذین لایجدون نکاحا حتی یغنیهم الله من فضله**...؛ و کسانی که [وسیله] زناشویی نمی یابند باید عفت ورزند تا خداوند آنها را از فضل خویش بی نیاز گرداند...». (عفت به معنای پاکدامنی)

**وَ القواعد من النِساء الَّتی لایَرجونَ نِکاحاً فَلیسَ عَلیهنَ جناحَ ان یضعن ثیابهن غیر متبرجات بزینة وَ ان یَستعففن خَیر لَهُّنَ**....

و بر زنان از کار افتاده ای که [دیگر] امید زناشویی ندارند گناهی نیست که پوشش خود را کنار نهند [به شرطی که] زینتی را آشکار نکنند و عفت ورزیدن برای آنها بهتر است...».

در آیه فوق به وضوح به عفاف در پوشش اشاره شده است. همچنین در آیاتی دیگر، خداوند متعال ابعادی از عفاف را بدون استفاده از واژه، این گونه مطرح نموده است:

**قل للمؤمنین یغضّوا من ابصارهم و یحفظوا فروجهم ذلک ازکی لهم ان الله خبیر بما یصنعون\* قل للمؤمنات یغضضن من ابصارهنَّ و یحفظن فروجهنَّ و لا یبدین زینتهنَّ الا ما ظهر منها و لیضربن بخمرهنَّ علی جیوبهن و لا یبدین زینتهنَّ لبعولتهنَّ اوآبائهنَّ او آباء بعولتهنَّ او ابناهنَّ او ابناء بعولتهنَّ او اخوانهنَّ او بنی اخواتهنَّ او نسائهنَّ او ما ملکت ایمانهنَّ او التّابعین غیر اولی الاربة من الرجال او الطِّفل الَّذین لم یظهروا علی عورات النساء و لا یضربن بارجلهنَّ لیعلم ما یخفین من زینتهنَّ و توبوا الی الله جمیعا ایها المؤمنون لعلکم تفلحون.**

به مردان باایمان بگو که دیده های خود را فرونهند و پاکدامنی ورزند که این برای آنها پاکیزه تر است؛ زیرا خدا به آنچه می کنند آگاه است\* و به زنان یا ایمان بگو که دیدگان خود را [از هر نامحرمی] فرونهند و دامان خود را حفظ کنند. زینت خود را آشکار نکنند مگر آنچه که به طور طبیعی از آن پیداست. سرپوش های خود را بر گریبان و سینه خود بیندازند. زینت خود را آشکار نسازند، مگر برای شوهران خود یا پدر شوهرانشان یا پسرانشان یا پسر همسرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان یا پسران خواهرانشان یا زنان هم کیششان یا بردگانشان یا افراد سفیه که تمایلی به زن ندارند و یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند. زنان هنگام راه رفتن، پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت هایشان آشکار شود. ای مؤمنان، همگی به سوی خداوند بازگردید تا رستگار شوید.

جایگاه عفاف و ابعاد آن در نظام اجتماعی اسلام مورد توجه ویژه است و رعایت یا بی مبالاتی درباره آن، مرز میان نزدیکی به خداوند یا دوری از او می باشد. این آیات بخشی از آداب معاشرت و دستورات اجتماعی اسلام است که ارتباط نزدیکی با مسایل مربوط به عفت عمومی دارد.

#### 1- عفت در رفتار

عفت در رفتار، از جمله بخش های عفاف و خویشتن داری مؤمنانه در نظام فکری اسلام می باشد. حفظ حریم نگاه، حفظ غرایز، معاشرت عفیفانه، عفت در ابراز نیاز و تعلق به زینت های مادی و رعایت دیگر ملکات رفتاری در این حیطه مطرح می شود.

با توجه به آیاتی که پیش تر گفته شد، «یغضض» از رهنمودهای قرآن در این باره است. این واژه از ماده «غض» به معنای «کم کردن» و «نقصان» است و در بسیاری موارد به کوتاه کردن صدا یا کم کردن نگاه گفته می شود؛ یعنی باید هر دو گروه مردان و زنان در نظام اجتماعی و در ارتباط با یکدیگر، نگاه خود را کوتاه کنند. برای نمونه اگر مردی هنگام روبرو شدن با زن نامحرم، چشم های خود را ببندد، راه رفتن و انجام کارهای دیگر برای او ممکن نیست، ولی اگر نگاه را از صورت و اندام او برگیرد و چشم خود را پایین اندازد، گویی از نگاه خود کاسته و غیر از ضرورت را نمی بیند.

 گزاره بعدی در رعایت عفاف در رفتار، خویشتن داری و رعایت حریم اسلامی در زمینه غرایز طبیعی است. حفظ عورت و پوشاندن آن از نگاه دیگران، از آموزه های اسلام است. رعایت این نوع عفاف نیز مشتمل بر زن و مرد می باشد.

عفافِ رفتاری همراه با عفت در پوشش، به نوع استفاده از ذخایر و زینت های ناپایدار دنیا نیز مربوط می شود. قرآن کریم در این مورد تذکر داده است که زنان نباید زینت های خود را آشکار سازند، جز آن مقداری که به طور طبیعی پیدا است؛ به این معنی:

زنان حق ندارند زینت هایی که معمولاً پنهانی است را آشکار کنند، هر چند اندامشان نمایان نشود. به این ترتیب، آشکار کردن لباس های زینتی مخصوصی که در زیر لباس عادی یا چادر می پوشند، جایز نیست.

زنان عفیفه از رعایت این موضوع برای به کمال رساندن ملکه عفت در وجودشان غفلت نمی ورزند.

عفاف در معاشرت و راه رفتن نیز مورد سفارش اسلام در بخش عفاف رفتاری است. با توجه به آیات قرآن، بانوان عفیفه هنگام راه رفتن نباید پاهای خود را به زمین بزنند تا زینت های آنها آشکار شود. رعایت عفت در زنان چنان دقیق است که از رساندن صدای خلخال پایشان به گوش مردان بیگانه نیز باید خودداری کنند.

#### 2- عفت در پوشش

نوع پوشش و رعایت شاخصه های عفاف در این باره نیز برای حفظ کرامت انسانی لازم است. توصیه قرآن کریم به اینکه زنان، «خِمار»های خود را بر سینه  افکنند، آموزه ایی برای دستیابی به مقام عفاف در میان بانوان اسلام می باشد. «خمر» جمع «خمار» به معنای پوشش است و به چیزی گفته می شود که زنان با آن، سر خود را می پوشانند.

زنان، قبل از نزول آیه، دامنه روسری خود را به شانه ها و پشت سر می انداختند؛ به طوری که گردن و کمی از سینه آنها نمایان می شد. قرآن دستور می دهد که روسری خود را بر گریبان خود بیافکنند تا هم گردن و هم آن قسمت از سینه که بیرون است، مستور باشد.

ضرورت حفظ پوشش، برای تمام صحنه های حضور زنان نیست، بلکه گاهی می توانند بدون حجاب باشند. بانوان می توانند در حضور شوهران، پدران، پدر شوهران، پسران، پسران همسران، برادران، پسران برادران، پسران خواهران، بردگان، سفیهانی که تمایلی به زن ندارند، بردگانشان و کودکانی که از امور جنسی آگاه نیستند، حجاب خود را برگیرند و زینت پنهان را آشکار سازند.

#### 3- عفت در کلام

انسان مؤمن برای رعایت عفت در کلام، سه جنبه را در نظر می گیرد؛ آهنگ صدا، کیفیت بیان سخن، درون مایه و محتوای گفتار. در نظام اسلامی، این سه جنبه با عبارت های «قول لین»، «قول سدید» و «قول بلیغ» بیان می شود. کلام عفیفانه از اندیشه متعالی سرچشمه می گیرد. ازاین رو، عفت در اندیشه مقدمه عفت در کلام و رفتار است. انسان عاقلی که اندیشه های خود را مدیریت می کند، عفیف است: «**من عقَل عفَّ**».

### شخصیت الگویی حضرت زهرا(ع)

عفاف، شاخصه مشترک مؤمنین است. برای درک بهتر جایگاه و ابعاد این شاخصه مهم در زندگی حضرت زهرا(ع)، بررسی مختصر اوضاع زمانه و اشاره ای به شخصیت ایشان ضروری است.

قرآن کریم غیر مستقیم به برخی از نکته ها در سیره حضرت زهرا(ع) اشاره دارد. یکی از افتخارهای ایشان صفت «خیر کثیر» یا «کوثر» است که در آیات مبارکه سوره کوثر بیان شده است. در آیه مباهله، حضرت زهرا(ع)، امام علی(ع)، امام حسن(ع) و امام حسین(ع)، فرزندان پیامبر معرفی شده اند. سوره دهر از یاری رساندن حضرت زهرا(ع) و خانواده اش به فقرا خبر می دهد. آیه کریمه تطهیر، در شأن اهل بیت پیامبر(ص) که پنج تن آل عبا می باشند، نازل شده است. پس از نزول آیه تطهیر، رسول خدا هرگاه برای نماز صبح رهسپار مسجد می شد، با عبور از کنار خانه فاطمه(ع) می فرمود: «ای اهل بیت، هنگام نماز است. خداوند می خواهد پلیدی را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً پیراسته گرداند». این شیوه را حضرت، شش ماه تا هشت ماه ادامه داد.

همچنین پیامبر اکرم(ص) در زمان بیان حدیث کساء چنین کرد: «... گوشه های پارچه را بالا گرفت و اطراف را جمع کرد و عرضه داشت: خدایا، اینان از من اند و من از اینان. خدایا همان گونه که من از اینها خشنود هستم، تو نیز از آنان راضی و خشنود باش».

رفتار پیامبر اکرم(ص) در تبیین جایگاه و مقام این بانوی گرامی نشانگر شخصیت الگویی حضرت زهرا(ع) است. وقتی رسول خدا(ص) می فرماید: «خداوند با خشم فاطمه خشمگین و با رضایت او خشنود می شود» یا «فاطمه پاره تن من است، هر کس او را بیازارد مرا آزرده و کسی که به او محبت ورزد، به من محبت داشته است» نشان دهنده شخصیت و مقالم والای این بانوی گرامی است. همچنین پیامبر اکرم(ص) می فرماید: «اگر علی نبود در تمام زمین هم کفوی برای فاطمه پیدا نمی شد».

حضرت فاطمه(ع) الگویی برای تمام زمان ها و همه انسان ها می باشد. وی شبیه ترین افراد به نبی اکرم بود. برخی القاب ایشان نزد خداوند عبارتند از: صدیقه، مبارکه، طاهره، زکیه، راضیه، مرضیه، محدثه و زهره.

#### پوشش عفیفانه در اجتماع

حضرت زهرا(ع) الگوی والای عفاف در پوشش است. نوع لباس و پوشش آن حضرت در شب عروسی، نشانگر عفاف فاطمی می باشد:

رسول خدا(ص) به ام سلمه فرمود: «فاطمه را نزدم بیاور». ام سلمه، فاطمه(ع) را نزد پدر آورد؛ دامان لباسش به پاهایش می پیچید و از حضور در پیشگاه رسول خدا(ص)، عرق شرم بر پیشانی اش می ریخت و پایش می لغزید. وقتی فاطمه(ع) مقابل پدر ایستاد، حضرت نقاب از چهره مبارک زهرا(ع) برگرفت تا علی(ع) او را ببیند. سپس رسول اکرم به دختران عبدالمطلب و زنان مهاجر و انصار دستور داد فاطمه(ع) را همراهی کنند و با اظهار شادمانی و خواندن اشعار و تکبیرگویان، حمد و سپاس خدا گویند و سخنی را که خشم خدا در آن باشد به زبان نیاورند....

این پوشش و حیای عفیفانه فاطمه(ع) در شب ازدواج، باید الگوی مراسم های عروسی باشد؛ زن در آن شب با چهره و پاهای پوشیده در میان زنان دیگر راه رود و قدم دارد، اذکار مراسم عروسی تکبیر و حمد خداوند است. همچنین در این روایت، حجب و حیای ایشان در مقابل پدر و همسر نمایان می شود. زن در خانه و در محضر پدر و فرزندان نیز اگرچه به حجاب نیاز ندارد، باید پوشش عفیفانه ای داشته باشد.

در روایت دیگری آمده است:

رسول خدا(ص) دید فاطمه(ع) ردایی از جل های شتر پوشیده و با دستان خود آسیا می گرداند و فرزندان خود را شیر می دهد. از دیدن این منظره اشک از چشمان مبارکش خارج شد و فرمود: «تلخ کامی های دنیا را برای دستیابی به شیرینی آخرت بخر». فاطمه(ع) در پاسخ گفت: «خدا را بر نعمت و کرامت هایش شکر و سپاس می گویم» و خداوند این آیه شریفه را نازل فرمود: «**و لسوف یعطیک ربک فترضی**؛ خدا در قیامت آنقدر به تو نعمت عطا کند تا راضی شوی».

در این روایت، عفاف فاطمه(ع) در رضایت از زندگی ساده و دوری از رفاه زدگی دیده می شود. فاطمه(ع) با خویشن داری و تقوای الهی از تجمل و مصرف گرایی و دنیازدگی که زنان به آن دل می بندند، فاصله می گیرد.

حفظ حریم عفاف با محرم و نامحرم مرزهای مشخصی دارد. روزی پیامبر اکرم(ص) هنگام ورود به خانه دخترش، نخست دست بر روی در گذاشت و در را کمی عقب زد. سپس فرمود: «السلام علیکم». فاطمه(ع) پاسخ سلام پدر را داد. پیامبر فرمود: «اجازه دارم وارد شوم؟» عرض کرد: «وارد شو یا رسول الله». پیامبر فرمود: «کسی که همراه من است هم آیا اجازه دارد وارد شود؟» فاطمه(ع) فرمود: «مقنعه بر سر من نیست» و هنگامی که خود را به حجاب اسلامی محجب ساخت، پیامبر(ص) دوباره سلام کرد و حضرت فاطمه(ع) جواب سلام داد و باز اجازه ورود برای خودش گرفت و پس از پاسخ فاطمه(ع)، اجازه ورود برای همراهش جابربن عبدالله گرفت.

فاطمه(ع) عفاف را نه فقط در برابر نگاه نامحرم رعایت می کرد، بلکه پوشیدگی و حجاب، بخشی از شخصیت این بانوی اسلام بود. ازاین رو در برابر نابینا نیز حجاب داشت.

روزی شخص نابینایی اجازه خواست که خدمت حضرت محمد(ص) برسد. فاطمه(ع) خود را از او پنهان ساخت. رسول خدا(ص) به او فرمود: «فاطمه جان او که تو را نمی بیند. چرا خود را پنهان کردی؟» عرضه داشت: «ای رسول خدا، اگر او مرا نمی بیند، من که او را می بینم و بوی من را استشمام می کند.» پیامبر اکرم فرمود: «گواهی می دهم که تو پاره تن من هستی».

در محافل اجتماعی لباس حضرت فاطمه(ع)، ساده و به دور از تجملات بود. ایشان خود خطاب به پدر می فرماید:

پدر، سلمان از وضعیت لباس من شگفت زده شد. سوگند به آن کسی که تو را به حق مبعوث گرداند، پنج سال است که فرش و زیرانداز من و علی(ع)، پوست گوسفندی است که روزها برای شترهایمان علف روی آن می اندازیم و شب ها روی آن می خوابیم. بالش های ما از پوست تهیه شده است و داخل آن با لیف خرما پر شده است.

پیامبر فرمود: «سلمان، دخترم زهرا، از دیگر زنان پیشی گرفته است».

فاطمه(ع) در زندگی سیاسی و در حضور بالاترین کارگزارن حکومتی، با پوشش برتر و کامل حضور داشت و ایفای نقش می نمود:

هنگامی که تصمیم گرفتند فاطمه را از فدک محروم سازند، این خبر به آن مخدره رسید. روسری بر سر کرده و چادر به تن نمود و به اتفاق جمعی از خدمتکاران خود و زنان بنی هاشم، رهسپار مسجد شد. دامان چادرش به پای مبارکش می پیچید، به گونه ایی راه می رفت که گویی رسول خدا گام برمی دارد. وی در جمع عده ای از مهاجرین و انصار و دیگر مسلمانان وارد شد. به احترام فاطمه(ع) پرده ای میان زنان و مردان در مسجد کشیده شد و آن بانو پشت پرده قرار گرفت. وقتی نشست، آهی سوزان از ژرفای دل دردمندش کشید....

در این سطور، نکاتی درباره پوشش عفیفانه حضرت دیده می شود. نخست اینکه بیرونی ترین لباس این بانو در اجتماع، چادر بلندی است، به گونه ای که پایین آن، به پای حضرت می پیچید.

این نشان می دهد چادر عریض و طویل بوده است. دوم اینکه فقط به چادر بسنده نشده و در زیر آن، روسری یا مقنعه ای پوشید. دیگر؛ ایشان با چنین حجابی در میان مردم در مرکز حکومت که آن زمان، مسجد بود، حاضر می شود. نکته بعدی این است که به تنهایی به آن مرکز نرفته و تعدادی از محارم، وی را همراهی می کرده اند و آخرین نکته، رعایت حریم بین زن و مرد با پرده ای است که به احترام ایشان ایجاد می شود. گویا در مورد عموم مردم، چنین رسمی نبوده است، البته جایگاه زنان و مردان از ابتدا جدا بوده است.

وقتی که امام علی(ع) برای گرفتن بیعت به مسجد برده می شد، حضرت زهرا (ع)، حجاب و تغییر نوع پوشش خود را راهکاری برای متنبه کردن مخالفان برشمرد و آنان را بیم داد: «دست از پسر عمویم بردارید! به خدا قسم، سرم را برهنه می کنم و پیراهن رسول خدا را بر سر افکنده...». الگوی زنان و مردان عفیف، در هنگام مرگ نیز نگران حفظ عفاف خود و دور ماندن از محیط گناه بود:

حال فاطمه زهرا(ع) در اثر حزن و اندوه بسیار، به وخامت گرایید. تنها لبخند او بعد از رحلت پدر بزرگوارش هنگامی بود که در بستر شهادت با پوشیدن لباس آخرت نگاهی به بنت عمیس کرد و لبخندی زد و به تابوتی که برای حمل جنازه اش قبل از وفات وی ساخته شده بود، نگریست و فرمود: «شما با تهیه این تابوت، بدن مرا پوشاندید. خداوند لغزش های شما را بپوشاند».

امام صادق(ع) فرمود:

نخستین تابوتی که در اسلام ساخته شد، تابوت مربوط به فاطمه زهرا(ع) بود. وی در آن بیماری به اسماء فرمود: «اسماء، بدنم لاغر و تکیده شده، حاضری برایم تابوتی درست کنی که بدنم را بپوشاند؟» اسماء عرضه داشت که: «بانوی من، دورانی که در حبشه بودم، دیدم که مردم آن سامان برای مردگان خود چگونه تابوت می ساختند. اگر مایل باشید نظیر آن را برایتان تهیه کنم. اگر آن را پسندیدید برایتان مانند آن را تهیه خواهم کرد». زهرای مرضیه(ع) فرمود: «باشد». اسماء، تختی را خواست و آن را وارونه کرد و سپس قطعه های چوبی از نخل طلبید و آن را به پایه های تخت، محکم بست و آنگاه با پارچه ای آن را پوشاند و عرضه داشت: «فاطمه جان، تابوتی را که دیدم آنها می ساختند، این گونه بود. فاطمه زهرا(ع) فرمود: «نظیر همین را برایم بساز و بدنم را بپوشان! خداوند بدنت را از آتش دوزخ مصون دارد».

ایشان، پیش از رحلت نیز کارهای مربوط به خود را انجام داد و لباس مخصوص پوشید. وی در واپسین لحظات عمر، پس از درخواست آب و شستشو، به سلمی ام بنی رافع فرمود: «انی مقبوضه الان انی قد فرغت من نفسی و انی قد اغتسلت فلا یکشفنی احدا؛ در همین لحظه قبض روح می شوم و به سوی پروردگارم خواهم رفت. غسل کرده ام، پس هیچ کس لباس از تن من برنگیرد». آن حضرت در روز محشر نیز به عفاف شناخته می شود و از پوشش بهره مند است. شب رحلت رسول اکرم(ص)، ایشان به حضرت زهرا(ع) بشارت هایی می دهد: «فاطمه جان، به خدایی که مرا به حق برانگیخت، تا من وارد بهشت نشوم، ورود خلایق به بهشت حرام است و تو بعد از من نخستین کسی هستی که با پوشش، آراسته و مزین وارد بهشت خواهی شد».

 اگرچه ممکن است نوع پوشش دنیا با آخرت متفاوت باشد، ولی برهنگی در آخرت نیز که فرصت تکالیف تمام شده، معنایی ندارد. در آن هنگامه، عده ای عریان محشور می شوند و فاطمه(ع) دل نگران این رخداد است:

قالت فاطمه الزهرا(ع): یا ابه ذکرت المحشر و وقوف الناس عراه یوم القیامه و اسواتاه یومئذ من الله عزوجل.

حضرت فاطمه زهرا(ع): ای پدر، یاد آوردم روز محشر و احوال مردم را در آن روز، درحالی که برهنه اند. وای از زشتی ها در پیشگاه خدای بزرگ در آن روز.

#### زندگی عفیفانه

فاطمه(ع) حضور در خانواده را محور نقش آفرینی زنان عفیفه می داند و به تعالی زنان با یاری پدر، مادر، همسر و فرزندان در کانون خانواده اهمیت ویژه ای داده است. آن حضرت بهترین زنان را کسی می داند که در غیر ضرورت، مردی را نمی بیند و مردان اجنبی نیز او را نبینند. عفت نگاه را می توان به معنای کاستن از دید در مواقع ضروری نیز تعبیر نمود. همچنان که درباره مردان توصیه می کند:

**الرجل احق به صدر دابته و صدر فراشه و الصلاه فی منزله الا امام یجتمع الناس علیه.**

هر مردی سزاوار است به سواری از اسب خویش و اداره خانه و خانواده خویش و نماز خواندن در منزل خویش، مگر فردی که مردم درخواست نماز جماعت از وی دارند.

برای زن در شرایط عادی، نقش آفرینی در خانواده نسبت به هر جای دیگری، به حریم عفاف، نزدیک تر است. روزی پیامبر(ص) از یارانش پرسید: «در کدام لحظه، زن به خداوند نزدیک تر است؟» پاسخ مناسبی مطرح نشد تا اینکه حضرت زهرا(ع) پرسش پیامبر را شنید و پاسخ داد: «**ادنی ما تکون من ربها ان تلزم قعر بیتها**؛ آن لحظه که زن در خانه خود می ماند و به امور زندگی و تربیت فرزند می پردازد، به خدا نزدیک تر است».

حضرت فاطمه (ع) کارهای منزل را با حضرت علی این گونه تقسیم می کرد: «خمیر کردن آرد و تمیز کردن خانه به عهده فاطمه(ع) باشد و کارهای بیرون از خانه، از قبیل جمع آوری هیزم و تهیه مواد اولیه غذایی بر عهده علی(ع) باشد و فاطمه(ع) از این تقسیم، خرسند بود». در نقل دیگری آمده: «**کان امیرالمؤمنین یحتطب و یستقی و یکنس و کانت فاطمه(ع) تظحن و تعجن و تخبز**».

لازم به یادآوری است که کارهای آن زمان از روزگار کنونی، سخت تر و گسترده تر بود. ایشان همچنین به نقش ویژه خود در تربیت فرزندان و حمایت و رسیدگی به همسر، آگاه و عامل به آن بود. دوری زن از معرض دید نامحرم یا عفت ورزی در معاشرت، به این معنا نیست که وی از وظایف دینی خود در اجتماع، به ویژه یاری رسالت و ولایت در برابر دشمنان اسلام شانه خالی کند. بانوی دو عالم، همان گونه که زندگی عفیفانه ای دارد، با عناوینی چون خانه نشینی زن، از خدمت به مقام رسالت کناره گیری نمی کرد:

در جنگ احد وقتی دید خونریزی پدر قطع نمی شود، زخم های وی را مداوا نمود و برای جلوگیری از خونریزی، قطعه حصیری را برگرفت و سوزاند و به خاکستر که تبدیل شد، آن را بر زخم پدر نهاد و خون، بند آمد. در ماجرای حفر خندق، قرص نانی را خدمت پدر آورد. رسول خدا(ص) از وی پرسید: «فاطمه جان چه آوردی؟» عرضه داشت: «قرص نانی است که برای غذای فرزندانم تهیه کرده ام، ولی آرامش نیافتم و آن را خدمت شما آوردم تا تناول کنی.» رسول خدا فرمود: «دخترم این قرص نان، نخستین خوراکی است که بعد از سه روز وارد دهان پدرت می شود.

پس از وفات عبدالمطلب و ابوطالب، دو حامی اجتماعی رسول اکرم(ص)، پیامبر بیش از پیش مورد طعن و سرزنش و آزار و اذیت مخالفان و جاهلان قرار می گرفت. فاطمه(ع) ضمن حمایت از پیامبر خدا، از این آزارها در حق ایشان رنجور می شد و رسول اکرم(ص) او را دلداری می داد. این رفتار فقط از محبت و ارتباط پدر و فرزند سرچشمه نمی گیرد، بلکه دغدغه او برای رسالت اجتماعی پیامبر می باشد و نشانگر اندیشه اجتماعی فاطمه(ع) در حمایت از نبوت است. روزی نادانی مشت خاکی بر سر و صورت رسول خدا(ص) پاشید. فاطمه(ع) به حمایت از پیامبر برخاست؛ خاک از چهره او زدود و با آب، سر و صورت ایشان را شستشو داد و از این جسارت گریست. پیامبر(ص) دستان خود را بر سر فاطمه کشید و فرمود: «دخترم گریه نکن! خداوند حافظ و نگهدار پدر توست و او را در مبارزه بر ضد دشمنان دین و رسالتش یاری می دهد».

رسول خدا نیز فاطمه(ع) را شایسته فعالیت های سیاسی و اجتماعی می دانست. وی نه این مسایل را از ایشان پنهان می کرد و نه حضورش را برای نقش آفرینی در جنگ با دشمنان، دور از مقام عفت می دانست:

هنگامی که فاطمه زهرا و صفیه، بعد از جنگ احد خدمت رسول خدا(ص) مشرف شدند و چشمشان به وجود مقدس پیامبر افتاد، رسول خدا به علی(ع) دستور داد: «نگذار عمه ام وضعیت مرا ببیند! او را نگهدار، ولی اجازه بده فاطمه(ع) نزدم بیاید.» وقتی فاطمه(ع) به رسول خدا نزدیک شد و چشمش به پیشانی شکسته و دهان پر از خون پدر افتاد، فریاد زد و به پاک کردن خون مشغول شد و همواره می گفت: «خشم شدید خدا بر کسانی که چهره پیامبر خدا را خونین ساختند».

پیامبر اکرم(ص) به فاطمه(ع) نوعی نوحه سرایی آموخت تا پس از رحلتش، مردم را در پرتو آن از اشتباهی که ممکن است پس از مرگ رسول مرتکب شوند، دور کند. ایشان به فاطمه فرمود:

... فرزندم این گونه بگو:

محمد(ص) نیز یکی از فرستادگان خدا بود و پیش از او نیز پیامبرانی آمده بودند. آیا اگر او از دنیا برود یا کشته شود، شما به آیین پیشینیان خود باز می گردید؟ هرکس مرتکب این عمل شود، کوچک ترین زیانی به خدا نمی رسد و خداوند سپاسگزاران را پاداش می دهد.

پیامبر خدا(ص)، فاطمه(ع) را به رفتاری عفیفانه در عزای رحلت خود سفارش نمود. فاطمه زهرا(ع) همراه حسنین(ع) در هنگام بیماری، نزد رسول اکرم(ص) شرفیاب شد. زهرا(ع) خود را روی بدن پیامبر(ص) نهاد و سینه بر سینه او گذاشت و گریست. رسول اکرم(ص) فرمود: «فاطمه جان، بر من گریه نکن و بر صورت نزن و آن را نخراش و مویت را پریشان نکن و دل را به آنچه خدا برایت خواسته تسلی ده!» سپس خود به گریه افتاد و فرمود: «خدایا تو جانشین من میان اهل بیتم هستی. خدایا، اینان امانت های من نزد تو و مؤمنین هستند».

حضرت صدیقه طاهره(ع) نیز سفارش های پدر را به کار بست و دور از چشم مردم، سایبانی در بقیع اختیار کرد و در آنجا بر هجران نبی خدا می گریست.

احقاق حق امامت و بازپس گیری فدک، فاطمه(ع) را واداشت تا با حضور در میدان سیاست، افزون بر استفاده از خطابه ها به رفتاری سیاسی همراه با عفت و نجابت دست زند. ایشان در جمع سران سیاسی آن دوران حاضر می شد و احقاق حقوق خود از جمله خمس، فدک و دیگر اموال را می نمود.

#### پرهیز از درخواست های دنیوی

یکی از ابعاد عفاف رفتاری، پرهیز از خواسته های ناپایدار دنیوی است. از جمله اینها، خویشتن داری در ارضای خواسته های شکم و تعلقات زینتی می باشد. حضرت زهرا(ص) از این گونه عفاف نیز بهره فراوان داشت. ایشان، دلیل این امر را این گونه بیان می فرماید: «لذتی که از خدمت حضرت حق می برم، مرا از هر خواهشی بازداشته است. حاجتی جز این ندارم که پیوسته ناظر جمال زیبا و والای خداوند باشم».

گاهی این بانو و فرزندانش روزها گرسنه می ماندند و برای خدا صبر می نمودند. از عمران بن حصین نقل شده است:

خدمت رسول خدا نشسته بودم که فاطمه(ع) وارد شد و برابر آن حضرت ایستاد. پیامبر نگاهی به فاطمه(ع) کرد؛ دید از شدت گرسنگی و بی رمقی رنگ چهره مبارکش به زردی گراییده است. دو بار فرمود: «فاطمه جان نزدیکم بیا!»

فاطمه(ع) نزدیک شد و برابر پدر ایستاد. پیامبر اکرم(ص) دست مبارکش را در مکان گردن بند فاطمه بر سینه اش نهاد و انگشتان خود را فاصله داد و عرضه داشت: «ای خدایی که گرسنگان را سیر و مردم را از هلاکت نجات می بخشی، هیچ گاه فاطمه ام را گرسنه مگذار».

گاهی سکوت و خودداری از سخن، نشانه عفت کلام می باشد. حضرت زهرا(ع) در مواجه با پدر و دیگران، از بیان هرگونه درخواست دنیوی شرم داشت و سکوت اختیار می نمود. شرح سکوت عفیفانه حضرت در برابر خواسته های دنیوی را در کلام بلیغانه امام علی(ع) می یابیم:

آیا درباره خود و فاطمه(ع) برایت نگویم؟ زهرا در خانه من حضور داشت. وی از همه خاندان رسول خدا(ص) نزد آن حضرت محبوب تر بود. فاطمه به اندازه ای مشک آب بر دوش می کشید که جای بند آن بر سینه مانده بود. آن قدر دستاس گردانید که دستانش تاول زده و متورم بود و به قدری خانه را جارو می زد که لباس هایش پر از گرد و غبار شد. آن قدر آتش در زیر دیگ برافروخت که لباس هایش از دود تیره شد و در این خصوص آسیب فراوانی دید. به او گفتم: «خدمت پدر بزرگوارت برو و از او بخواه خدمتکاری در اختیارت قرار دهد تا سختی انجام این امور را از دوش تو بردارد». وی نزد رسول خدا(ص) رهسپار شد و ملاحظه کرد که عده ای با حضرت، مشغول صحبت کردن هستند. شرم کرد و به خانه برگشت... پیامبر اکرم(ص) صبح زود روز بعد، به خانه فاطمه(ع) آمد و پرسید: «فاطمه جان دیروز نزد من چکار داشتی؟» ترسیدم اگر زهرا(ع) پاسخ ندهد، حضرت به پاخواسته، برود. عرضه داشتم: «ای رسول خدا، من ماجرا را به شما عرض می کنم.»... رسول خدا در پاسخ فرمود: «آیا دوست دارید چیزی که به مراتب از خادم بهتر است، به شما بیاموزم؟ هنگام خواب 33 بار سبحان الله، 33 بار الحمدلله و 34 بار الله اکبر بگویید».

حضرت زهرا(ع) حتی از طرح درخواست با همسر خود نیز خودداری ورزیده و سکوت، پیشه می کرد:

علی بن ابیطالب(ع) روزی گرسنه بود. نزد فاطمه آمد و به او گفت: «فاطمه جان، چیزی در خانه داری تا رفع گرسنگی کنم؟» عرض کرد: «نه! سوگند به آن کسی که پدرم را به پیامبری و تو را به وصایت و جانشینی وی کرامت بخشید، امروز چیزی برای خودن در اختیار نداریم و از دو روز پیش خوراکی نداشتیم، مگر آن مقدار که شما را بر خود و فرزندانم حسن و حسین ترجیح دادم». علی(ع) فرمود: «فاطمه جان چرا مرا در جریان قرار ندادی تا برایتان چیزی تهیه کنم؟» حضرت زهرا(ع) عرضه داشت: «ای ابوالحسن، من از خدای خود شرم دارم تو را برای تهیه چیزی که قادر بر آن نیستی، مجبور کنم».

فاطمه(ع) اگرچه خود از بیان خواسته های مادی عفت می ورزید، ولی درخواست دیگران را بی پاسخ نمی گذاشت و پرهیز ایشان از درخواست با ایثار در زندگی اجتماعی همراه بود. روزی امام علی(ع) وارد منزل شد و از فاطمه(ع) پرسید: «آیا غذایی در منزل داریم؟» حضرت زهرا(ع) فرمود: «**ما عندنا الا قوت الصبیه و لکنا نوثر به ضیفنا**؛ در خانه ما غذایی نیست، مگر به اندازه خوراک دختر بچه، اما ایثار می کنیم و آن را به مهمان می بخشیم».

#### عفت کلام

کلام عفیفانه در سه حوزه قابل بررسی است:

1- آهنگ: صدای انسان عفیف موجب ایجاد ریبه نمی شود.

2- نحوه بیان: فرد، کلامش را چگونه شروع کرده، ادامه دهد و به پایان برد.

3- محتوا: انسانی که عفت در سخن دارد، درون مایه سخنش الهی بوده و از بیهوده گویی می پرهیزد.

با بررسی سیره حضرت زهرا(ع) درمی یابیم که ایشان کلامی عفیفانه داشت. گفتگویی از حضرت زهرا(ع) با خلفا در تاریخ نقل شده که بیانگر عفاف این بانو در دو حوزه لحن و محتوای سخن می باشد. ایشان، نارضایتی خود را از رفتار سران حکومت، این گونه بیان می نماید:

شما را به خدا سوگند می دهم که آیا شما از رسول خدا نشنیدید که فرمود: «خشنودی فاطمه از خشنودی من و خشم او از خشم من است. آن کس که فاطمه      (ع) را دوست داشته باشد، مرا دوست داشته و کسی که وی را خشنود کند، مرا خشنود نموده و کسی که وی را خشمگین سازد مرا به خشم آورده است».

آنها به صدق گفتار فاطمه(ع) اعتراف کردند: «درست است. ما این حدیث را از پیامبر شنیده ایم». وقتی آن حضرت چنین اقراری را شنید، حجت را تمام شده دید و فرمود: «من، خدا و فرشتگانش را گواه می گیرم که مرا به خشم آوردید و درصدد خرسندی ام برنیامدید و اگر با پدرم رسول خدا(ص) دیدار کنم، شکایت نزد او خواهم برد».

یکی از شاخصه های عفاف در سخن فاطمه(ع)، بهره گیری از کلام مستدل در دفاع از امامت بود. آن حضرت با گفتاری شیوا و الهی مانند پدر به این کار می پرداخت. سخنرانی پس از رحلت نبی اکرم (ص) در مسجد مدینه، اتمام حجت و اعلام نارضایتی از برخی در هنگام رویارویی و سخنرانی در جمع زنان مهاجر و انصار که به عیادتش آمده بودند، از جمله این اقدامات بود.

شیوه حضرت در بیان سخن نیز عفیفانه است. وی نه از ابزار لهو و لعب مانند مدح ناحق استفاده نموده و نه کلامی پراکنده و منقطع می گوید؛ با حمد و ثنای خداوند متعال آغاز کرده، نعمت ها و الطاف بی شمار خداوند را یادآور می شود و به نزول قرآن و عظمت آن و رسالت پیامبر و خدمات و آزار و اذیت های متحمل شده در راه ابلاغ دین خدا و هدایت امت، گواهی می دهد. سپس، مردم را متوجه احکام الهی و فلسفه آن می نماید و به بیان جایگاه علی(ع) و نقش او در اسلام و گسترش آن می پردازد. آن گاه از گمراهی امت پس از رحلت رسول و دسیسه های دشمنان در حق خاندان نبی می گوید و سخن را به موضوع غصب مسند خلافت، برای منزوی کردن خاندان رسول اکرم(ص) می برد. پس از آن موضوع فدک را مطرح می نماید و ادله احقاق حق اهل بیت را مفصل بیان نموده، پاسخ ادعاهای ناحق را می دهد. در پایان که ناتوانی دردناک مخاطبین را در درک و پذیرش حقیقت می بیند، این رویداد را ریشه یابی کرده و به دلایلی از جمله لقمه حرام و... اشاره می نماید. فاطمه(ع) به گونه ای شگفت انگیز در این خطابه، عفت در کلام و ترتیب در بیان را رعایت می کند.

پس از آوردن دلایل مختلف، سکوت و پرهیز از هم سخنی با دشمنان، آخرین چاره فاطمه(ع) در برابر مخالفان است. علت اصلی برگزیدن این موضع حیای فاطمه(ع) و عفت ورزی او در مقابله با سرسخت ترین افراد است.

نوحه سرایی و گریه آن حضرت بر رویدادهای تلخ آن روزگار از جمله رحلت نبی اکرم(ص)، بیانگر رعایت عفت در هنگامه های مصیبت و سختی است؛ مواقعی که انسان، اختیار از کف می دهد و مصیبت و اندوه، بی تابش می کند:

امام علی(ع) به خانه آمد و بر زهرا(ع) وارد شد و بدو فرمود: «دخت رسول خدا، فاطمه جان، بزرگان مدینه از من درخواست کرده اند که از شما بخواهم یا شب در مصیبت پدر گریه کنی یا روز». فاطمه(ع) در پاسخ به علی(ع) فرمود: ابوالحسن، من اندک زمانی بیش، میان آنان نیستم و به زودی از میان آنها رخت خواهم بست». امام علی(ع) ناگزیر در پشت دیوار بقیع، خارج از شهر، سایبانی که آن را «بیت الاحزان» نامید، ایجاد کرد. زهرای مرضیه(ع) بامدادان امام حسن(ع) و امام حسین(ع) را پیشاپیش و خود در پی آنان، رهسپار بیت الاحزان می شد و گریه کنان و اشک ریزان از بقیع می گذشت و با فرارسیدن شب، امیرمؤمنان نزد فاطمه(ع) می رفت و وی را تا منزل همراهی می کرد.

### نتیجه گیری

عفاف از آموزه های اسلام و مصونیت بخش فرد و جامعه از آسیب های مادی و روحی می باشد. مکتب قرآن به رعایت سه حوزه مهم عفاف شامل پوشش، رفتار و کلام تأکید دارد. حضرت زهرا(ع) در مقام والای عصمت و در جایگاه فرزند نبی اکرم(ص) و حاکم اسلامی از هر سه بخش عفاف در زندگی اجتماعی- سیاسی بهره مند بود؛ بر روی لباس ها، مقنعه (روسری) و بر روی مقنعه، چادری بلند داشت، همراهان زن، وی را برای نقش آفرینی سیاسی تا مسند حکومت همراهی می کردند و به احترام ورود این بانو پرده ای کشیده می شد و میان مرد و زن جدا می گشت.

در زمینه رفتار، وی زندگی عفیفانه ای را در اجتماع برگزیده بود. خانواده، نخستین و مهم ترین عرصه ای بود که ایشان در شرایط عادی، به حضور و نقش آفرینی زن در آن تأکید داشت تا مرد نامحرمی، زن را و زن نیز مرد نامحرمی را نبیند؛ زیرا در این مکتب، حضور در خانه و تربیت فرزندان، اهمیت ویژه ای در مسیر تقرب الهی دارد. این روش، به معنای بی تفاوتی به مسایل مهم اجتماع نیست. آن حضرت درخواست دنیوی از دیگران نداشت و منزلی ساده را با کمترین امکانات اداره می کرد. آن قدر حیا داشت که نیاز دیگران را بی پاسخ نمی گذاشت و گاه با اهدای لباس عروسی خویش در شب زفاف، درخواست کننده را خشنود می کرد.

فاطمه در عفاف کلامی نیز نمایانگر بانویی کامل بود. وی در محتوای کلام و آهنگ و ترتیب سخن الگویی شگفتی آفرین بود. این شاخصه به وضوح در خطابه های ایشان و در حضور سران و کارگزاران سیاسی در مسجد، در جمع زنان و در برخورد با سایرین پیدا بود. اگرچه تمام شاخصه های عفاف در وجودش نهادینه بود، ولی رسول خدا(ص) و امام علی(ع) وی را به خانه نشینی در زمان نیاز جامعه به حضور و نقش آفرینی، وادار نکردند.